نامـــه به سردبیـــر محترم مجله طب سنتی اسلام و ایران
درباره مقاله ای با عنوان " امورطبیعیه و ارکان در مکتب طب ایرانی"

مهشید چایچی رقیمی[الف]، مژگان تن‌ساز [ب]

[الف] دستیار طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
[ب] استادیار طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

استحاله در پردهٔ ابهام:

پیرو چاپ مقاله‌ای با عنوان «امور طبیعیه و ارکان در مکتب طب ایرانی» که درشماره چهارم این مجله در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است، ذکر توضیح کوتاهی دربارهٔ بعضی از اصطلاحات این مقاله،به‌نظر خالی از فایده نیست.لازم به ذکر است که چاپ این مقاله و مقالاتی از این دست که به تبیین مفاهیم وکلیات طب ایرانی می‌پردازند، بسیار برای دانشجویان این رشته مفید است، هرچند گاهی ممکن است عدم پرداختن کافی به بعضی مفاهیم، باعث سردرگمی‌خوانندگان شود. اگرچه برای رفع ابهامات موجود در مقاله بهتر این است که صاحب‌نظران در رشته فلسفه وارد بحث شوند، اما بیان موضع اطبا و فلاسفه در چند مورد شاید بتواند به درک بهترخوانندگان مقاله به‌خصوص دانشجویان طب سنتی کمک کند.

تاریخ دریافت: خرداد ۹۳
تاریخ پذیرش: مرداد ۹۳

همان‌طور که نویسندگان محترم مقاله فوق اشاره کرده‌اند، برای درک مناسب امور طبیعیه و ارکان در مکتب طب ایرانی، طبیب نیازمند فهم خوب اصطلاحاتی است که در کلیات این رشته به‌کار برده می‌شود(۱). نویسندگان مقاله توانسته‌اند مفاهیم بسیاری از اصطلاحاتی را که به‌عنوان مفاهیم پایه در کلیات این رشته به‌کارمی‌روند، روشن سازند، اما درمورد مفاهیم استحاله، انقلاب و کون و فساد، مطلب مبهم است. نویسنده مقاله، استحاله را این گونه تعریف کرده است: «استحاله، وقتی است که در جسم حرکت وتغییری کیفی صورت می‌پذیرد، به‌عبارت‌دیگر فقط جسم تغییر می‌کند با گذر و واسطه زمان،پس ماهیت جسم عوض نمی‌شود(۱)." در ادامه مقاله نیز ذیل نکته آورده است:" با رجوع به کتب طب و فلسفهٔ پیشینیان به نظر می‌رسد تفسیر مفهوم استحاله و کون و فساد با تغییرات فیزیکی و شیمیایی هم‌خوانی داشته باشد(۱)." سپس نویسنده حرارت دادن آب را مثال زده است و شرح داده که تغییر حرارت آب، تغییری کیفی است که با معیار کمی دما اندازه‌گیری می‌شود. "اما در دمای ۱۰۰ درجهٔ‌سانتی‌گراد به صورت دفعی و ناگهانی مولکول آبی که به این دما رسیده به صورت بخار درمی‌آید،پس‌آب تغییر صورت داده، ولی ماهیت آن تغییر نکرده است(۱)".

جای دیگری از مقاله در تعریف کونوفساد چنین آمده است: " کونوفساد یعنی خروج از قوه به فعل، به صورت ناگهانی؛ کون آن است که صورتی حادث شود و فساد آن است که صورتی زایل شود. در یک واکنش شیمیای یترکیبی، ماده یا مواد جدیدی به وجود می آید که هم از لحاظ ماهیت، هم صورت و هم کیفیت با هریک از مواد طرف واکنش اول

* فرد مسئول مکاتبات: chaichi.m@gmail.com

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-15]

فرقدار دما از این تغییر به کونیـاد مـی کنـیم و در یـک رویـداد تجزیه‌ای وقتی مواد حاصل از لحاظ ماهیت و صورت و کیفیت با مادهٔ اولیه متفاوت باشد می‌گوییم دچار فسادشده، پس کون و فساد معادل تغییرات شیمیایی است. درتجزیهٔ یک جسم بسـیط یا مرکب به اجزای کوچک‌تـر تشـکیل‌دهنـدهٔ آن، جسـم فقـط استحاله در مورد جسـم بسـیط و اسـتحاله و انقـلاب در مـورد جسم مرکب رخ می‌دهد(۱)."

باوجود ابهـام در بعضـی از جمـلات نویسـنده در تعریـف اصطلاحات، ماننـد آخـرین جملـه از پـاراگراف فـوق، از ایـن تعریف‌ها چنین برمی‌آید که استحاله، انقلاب و کون و فساد سه مفهوم کاملاً متفاوت هستند کـه مصـداق‌هـای کـاملاً مجزایـی دارندوتفاوت آنها را از نظر نویسنده مقاله می‌تـوان در جـدولی چنین خلاصه کرد:

نوع تغییر	تغییر در کیفیت	تغییر در صورت نوعیه	تغییر درماهیت
استحاله	+	–	–
انقلاب	+	+	–
کون و فساد	+	+	+

استحاله از دیدگاه دیگران

در مقاله فوق با اشاره به آثار دکتر جلال مصطفوی کاشـانی در ذیل عناوین حرکت و فعل و انفعال از خواننـدگان خواسـته شده که به مجموعه آثار ایشان برای فهـم بهتـر مطلـب رجـوع کنند،به همین علت برای رفع ابهامات،نخست از همـین کتـاب تعریف حرکت و استحاله را بیان می‌کنیم: «قدما کلیـه تغییراتـی را که بر اجسام عارض می‌شود، حرکت می‌نامیدنـد و بـرای آن انواعی قائل بودند، برای مثـال تغییـر مکـان جسـم را حرکـت مکانی و تغییر حالت اجسام (گرم‌شدن آب و تغییر رنـگ میـوه در درخت) را حرکت کیفی نام نهاده بودند و می‌گفتند استحاله یا تغییر حالت اجسام، حرکت در کیف (منظور از حرکت در کیـف، تغییر در مقوله کیفیت از اعراض جسم است، مانند گرمی و سردی و رنـگ اجسام) است»(۲).

در جایی دیگر دکتـر مصـطفوی اسـتحاله را معـادل تغییـر ظاهری و فیزیکی وکون و فساد را معادل تغییر شیمیایی دانسته است: «هرگاه جسمی تغییر کند، ولی ماهیت (صورت نوعیه: در اجسام امر دیگری غیر از صورت جسـمیه و هیـولا هسـت کـه منشـا آثـار مختلف اجسام(سبکی و سنگینی،گرمی و سردی) است و بـه آن صـورت نوعیه گفته می‌شود. به نظر می‌رسد اینجـا نویسـنده بـا اغمـاض ماهیـت را معادل صورت نوعیه مطرح کرده است.) آن عوض نشود (برای مثـال آب وقتی‌که گرم یا سرد شود، بـازهم همـان آب اسـت)، ایـن تغییر حالـت را اسـتحاله مـی‌نامیدنـد (امـروزه آن را تغییـرات ظاهری یا فیزیکی می‌نامند).دوم وقتی‌کـه صـور تنوعیـه جسـم باقی نماند، یعنی جسم تغییـر ماهیـت داده و تبـدیل بـه جسـم دیگری شود، برای چوب تبدیل به آتش و دود و خاکستر شود، می‌گفتندکونوفساد واقـع شـده اسـت، یعنـی صـورتیکه بـود و برطرف شد، فاسد شده و صورتیکه نبود و موجود شـد، کـائن شده است (امروز می‌گویند تغییرات شیمیائی)»(۲).

تا اینجابه‌نظرمی‌رسد استحاله معادل تغییرات فیزیکی و کون و فساد معادل تغییرات شـیمیایی باشـد، امـا حکـیم عقیلـی در خلاصه‌الحکمه اصطلاح استحاله و انقلاب را در کنار هم چنین به‌کارمی‌برد: «و دو کیفیت فاعلـه، حـرارت و بـرودت‌انـد و دو منفعله، رطوبت و یبوست و علّت داشتن هریـک از ارکـان، دو کیفیت- یکی فاعله و دیگری منفعله- برای امتزاج و ترکیـب و تبدیل و استحاله با یکدیگر است؛ که به یک جهـت هریـک بـا دیگری ضدّیت [داشته] و به جهت دیگر، مناسبت داشته باشند؛ برای مثال آتش، به اعتبار لطافت و خفّت، «مناسـبت» بـه فلـک قمر دارد که قریب بدان است و به جهت عُنصریت، «مخـالف» آن؛ و لهذا متّحد و منقلب به آن نمی‌گردد و به اعتبار حـرارت، «مناسبت» با هوا و به جهت یبوست، «ضدّیت» با آن؛ که هرگاه یبس آن زایل گردد، منقلب و مستحیل به هوا می‌شـود»(۳). در این متن مشخص است که انقلاب رانیز نوعی اسـتحاله دانسـته که برای کیفیت جسم حاصل شده است.

عبارت معروف دیگری که اغلب حکمـای طـب ایرانـی در کتب خود آورده‌اند، عبارتی است که حکـیم ارزانـی در کتـاب مفرح‌القلوبدربارهٔ تعریف خلط می‌گوید : «و الخلط جسم رطب سیّال یستحیل إلیه الغذاء أولا و خلـط جسـمی اسـت رطـب و سیال که غذا در اول استحاله‌به‌سـوی وی‌مسـتحیل مـی‌گـردد، یعنی چیز مأکول که وارد معده می‌شود صورت نوعیـه خـود را

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-15]

از دست داده و نخستین صورت دیگری که می‌گیرد، صورت خلطی است»(٤). در ادامه حکیم ارزانی شرح می‌دهد که منظور از "یستحیل إلیه الغذاء"تبدیل غذا به کیلوس نیست و شرح می‌دهد که اصطلاح استحاله را به دو صورت و با دو معنای مختلف به‌کارمی‌برند: «به‌دلیل آنکه استحاله را دو استعمال است:یکی آنکه در تغیر کیفیات اطلاق کنند و نشان وی آن است که بی‌لفظ إلی باشد، چنانچه گویند: استحال الماء البارد و نگویند: استحال الماء إلی البارد. دوم آنکه در کون و فساد یعنی تغیر صور نوعیه اطلاق نمایند و در اینجا لفظ إلی لازم دانند چنانچه گویند استحال الماء إلی الهواء و نگویند استحال الماء الهواء و چون استحاله‌ی غذا مقیّد به إلی است و آن بی کون و فساد صورت نبندد و استحاله کیلوسی که در کیفیت است نه در نوعیت،مدخلی کیلوس را در حد خلط نباشد»(٤).

در تحفه ناصریه نیز چنین دربارهٔ استحاله خلط شرح داده شده است که استحاله به معنی تغییر کیفیت همراه با بقای صورت نوعیه نیست، بلکه به‌علت انقلاب در جوهر است که استحاله به جسم دیگر رخ می‌دهد[1]: «منظور استحاله غذا به جسم دیگر(خلط) با انقلاب جوهر است، نه اینکه استحاله به معنی تغییر در کیفیت با بقای صورت نوعیه؛ زیرا ما معتقدیم زمانی که گفتارمان را با قید "الی" می‌آوریم، معنی فساد یک صورت و به‌وجودآمدن صورت دیگر از آن متبادر می‌شود.پس گفته نمی‌شود آب گرم استحاله الی به آب سرد پیدا کرد، در صورتی‌که گفته می‌شود آب گرم استحاله الی به هوا شد، زیرا از اصطلاح نخست در عرف تغییر کیفیت و از بین رفتن صورت نوعیه با وجود باقی‌بودن صورت مایی متبادر می‌شود، در حالی‌که از اصطلاح دوم (استحاله الی) از بین رفتن صورت و به‌وجودآمدن صورت دیگر(کون و فساد) به ذهن متبادر می‌شود و منظور از این تغییر و استحاله الی، به‌وجودآمدن کیلوس نیست، زیرا جوهر غذا در کیلوس تغییری نکرده است»(٥).

نتیجه‌گیری:

همان‌طور که از مطالب فوق برمی‌آید، اگرچهبه‌طور کلی استحاله معادل تغییر فیزیکی و کون و فساد معادل تغییر شیمیایی مطرح می‌شود، اما در متون قدیمی‌طب سنتی اغلب حکما از "استحاله" به تغییر فیزیکی و از" استحاله الی" به تغییر شیمیایی یا همان کون و فساد یاد کرده‌اند، بنابراین دانشجویان طب سنتی باید مدنظر داشته باشند که هنگام مطالعه کتب مرجع رشته طب سنتی، با دیدن کلمه استحاله ابتدا به قید آن توجه کنند، اگر قید الی همراه با کلمه استحاله به‌کار برده شده باشد، منظور همان تغییراتی است که با کون و فساد همراه است و اگر استحاله به‌تنهاییبه‌کار برده شده باشد به احتمال زیاد تنها تغییر کیفیت (فیزیکی)مدنظر نویسنده بوده است.

ابهام دیگری که ممکن است دانشجویان در برخورد با کتب مختلف با آن روبه‌رو شوند، ناشی از اختلافی است که در دیدگاه فلاسفه مشاء، اشراق و ملاصدرا در این باره وجود دارد و ممکن است باعث کج‌فهمی‌بعضی از مطالب شود. بنابراینلازم است این مفاهیم از دیدگاه فلاسفه نیز مورد بررسی قرار گرفته و تفاوت آنها به‌خوبی تبیین شود که این مهم نیاز به تأمل بیشتر و ارائه مقاله‌ای جداگانه در این موضوع دارد.

---

[1] الخلط جسم هو الجنس رطب ای سهل القبول للتشکل و الاستحالهٔ و الفصل و الوصل قال الکازرونی علی معنی انّه لو خلی و طباعه و لم یعارضه سبب من خارج یکون ما ذکرناه و هو احتراز عما فی البدن و لیس برطب بهذا المعنی کالعظم و الغضروف لانّهما لیسا کذلک سیّال ای من شانه ان ینبسط اجزائه مستفلّه بالطّبع و لا یلزم ان یکون رطبا قال الرّمل مع افراط یبوسته سیال و هو احتراز عما فی البدن رطب و لیس بسیال کاللّحم و الشحم یستحیل الیه الی ذلک الجسم علی انقلاب الجوهر لا یقال ان الاستحالهٔ هو التّغیر فی الکیفیّهٔ مع بقاء الصّورهٔ النوعیّهٔ لانّا نقول هو عند الاطلاق کذلک لکنّها اذا قیدت بقولنا الی کذا یتبادر منها الی الفهم فساد صورهٔ و کون اخری فلا یقال الماء الحار استحال الی البارد کما یقال انّ الماء استحال الی الهواء بل یقال استحال باردا لانّ المتبادر من الاوّل فی العرف هو انّه تغیرت کیفیّته و زالت صورته النوعیّهٔ مع انّه باق علی صورته المائیه بخلاف الثّانی فانالاستحالهٔ فیه هو فساد صورهٔ و کون اخری و هو احتراز عن الکیلوس فانه مع کونه جسما رطبا سیالا لیس بخلط بالاجماع لان الغذاء لم یتغیر بعد فی جوهره و ان تغیر فی کیفیّهٔ الغذاء قال الجیلی ان المراد بالغذاء هاهنا

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-15]

* فرد مسئول مکاتبات: chaichi.m@gmail.com

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-15]

References:

۱ . میراب زاده اردکانی مهران،شمس اردکاني محمد رضا، کشاورزمنصور؛ ناظم، اسماعیل، مینایی محمد باقر.امور طبیعیه و ارکان در مکتب طب ایرانی.مجله طب سنتی اسلام وایران. ۱۳۸۹؛سال اول، شماره ٤:صص۳۱۵-۳۲۱.

۲ . مصطفوی کاشانی، سید جلال: مجموعه آثار دکتر سید جلال مصطفوی کاشانی. تهران: نشر شهر؛ ۱۳۸۲.

۳ . عقیلی علوی شیرازی، سید محمدحسین بن محمد هادی:خلاصة الحکمة. قم:اسماعیلیان؛ ۱۳۸۵.

٤ . چغمینی، محمود بن محمد : مفرح القلوب (شرح قانونچه). شارح: شاه ارزانی میر محمد اکبر بن محمد. لاهور: مطبعة إسلامیة.

٥ . نائیني اصفهانی، ابو القاسم بن محمد جعفر: التحفة الناصریة. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران؛۱۳۸۷.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-15]